

وقتی خدا انسان شد

یک راز بزرگ! روزی در یک شهر کوچک و محقر، در مکانی تاریک و دور افتاده، نوزادی چشم به جهان گشود. تولد او به جهان اعلام نشد، مادرش یک زن معروف نبود، و مسافرخانه‌ها هم جایی برای آنها نداشتند، لذا خانواده او در آغل پناه گرفتند و آنجا بود که در ساعات تاریک شب، زمانی که شهر به خواب فرو رفته بود، آن غریبه کوچک به دنیا آمد.

اگر چه کسی متوجه حادثة خارق العاده‌ای نشد، ولی با به دنیا آمدن این طفل همه ناقوسهای آسمان به صدا درآمدند. یک ستاره جدید در آسمان شروع به درخشش کرد. فرشته‌ای شتابان پرواز کرده و این مژده مسرت بخش را که توأم با شادی عظیمی بود به گوش دسته‌ای از شبانان رسانید، آنگاه نوری گرداگرد آنها را در بر گرفته و تاریکی شب را بیرون راند. سپس موجودات آسمانی بی‌شماری به فرشته ملحق شده و تسبیح کنان این سرود شادمانی را سردادند. «خدا را در اعلی علین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد!» (لوقا ۲: ۱۴)

پس از رفتن فرشتگان، شبانان شتابان به بیت لحم رفتند تا نوزاد را ببینند. چند مجوسی نیز از مشرق زمین به آنجا آمده و هدایای نفیسی به وی تقدیم کردند. آنگاه در زمانی کوتاه اضطرابی عظیم تمامی اورشلیم را فرا گرفت، حتی پادشاه نیز آشفته شد. تولد این کودک فقیر آسمان و زمین را تکان داده بود.

این یک راز است! یک راز بزرگ! این نوزاد کسی غیر از خدای قادر مطلق، خداوند و آفریننده آسمان و زمین نبود. او از یک باکره به دنیا آمد، او در شکل انسان آمد تا در میان ما ساکن شود. «که اینک باکره آبستن شده پسر می‌خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است، خدا با ما.» (متی ۱: ۲۳) فرشته آشکارا اعلام کرد که نوزاد چه کسی است، وی گفت: «که امروز برای شما در شهر داوود، نجات دهنده‌ای که مسیح خداوند باشد متولد شد.» (لوقا ۲: ۱۱)

در عهد عتیق عبارات خداوند خدا، خداوند یهوه، خداوند خدای تو و غیره به کرات در رابطه با خدا به کار رفته‌اند. و حال فرشته‌ای اعلام می‌کند که این مولود بیت لحم، مسیح خداوند است. با توجه به این که عهد عتیق و عهد جدید به اتفاق می‌گویند که تنها یک خداوند وجود دارد، شکی نیست که خداوند عیسی عهد جدید و خداوند خدای عهد عتیق یک خداوند هستند. آیات زیر با قاطعیت ثابت می‌کنند که خداوند خدای عهد عتیق همان خداوند عیسی مسیح عهد جدید است:

- ✓ «خداوند یهوه که آسمانها را آفرید ... و زمین و نتایج آن را گسترانید ...» (اشعیا ۴۲: ۵)
- ✓ خداوند عیسی آسمان را آفرید. (کولسیان ۱: ۱۲-۱۶ و یوحنا ۱: ۱-۱۰)
- ✓ «من، من یهوه هستم و غیر از من نجات دهنده‌ای نیست.» (اشعیا ۴۳: ۱۱)
- ✓ عیسی مسیح منجی ماست. (تیطس ۳: ۱)
- ✓ «من هستم الف و یا، اول و آخر، می‌گویند آن خداوند خدا ...» (مکاشفه ۸: ۱)
- ✓ یهوه اول و آخر است. (اشعیا ۴۴: ۶)
- ✓ «... اگر باور نکنید که من هستم ...» (یوحنا ۸: ۲۴)
- ✓ «خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابدالابد ...» (مزمور ۱۴۶: ۱۰)
- ✓ «من خداوند قدوس شما هستم ... پادشاه شما.» (اشعیا ۴۳: ۱۵)
- ✓ «... عیسی، پادشاه یهود.» (متی ۲۷: ۳۷)
- ✓ «تو به تنهایی یهوه هستی. تو فلک و فلک الافلاک و تمامی جنود آنها را و زمین را و هر چه بر آن است و دریاها را و هر چه در آنهاست، ساخته‌ای و تو همه اینها را حیات می‌بخشی و جنود آسمان تو را سجد می‌کنند. تو ای یهوه آن خدا هستی که ابرام را برگزیدی و او را از اور کلدانیان بیرون آوردی و اسم او را به ابراهیم تبدیل نمودی.» (نحمیا ۹: ۶-۷)
- ✓ «... خداوند تو کیستی ... من عیسی هستم ...» (اعمال ۵: ۹)
- ✓ «من هستم خدای قادر مطلق ...» (پیدایش ۱: ۱۷)
- ✓ خداوند عیسی قادر مطلق است. (مکاشفه ۸: ۱)

و آیات ذیل ثابت می‌کنند که آن مولود بیت لحم بدون هیچ تردیدی خداوند قادر مطلق است:

- ✓ «زیرا برای ما ولدی زاییده و پسرى به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد.» (اشعیا ۹: ۶)
- ✓ طلوع فردی که در بیت لحم مولود شد به ایام ابدیت مربوط می شود. (میکاه ۵: ۱ - ۳)
- ✓ عیسی قبل از ابراهیم بود «... عیسی بدیشان گفت: آمین آمین به شما می گویم که پیش از آن که ابراهیم پیدا شود من هستم.» (یوحنا ۸: ۵۶ - ۵۸)
- ✓ توما اعتراف کرد که عیسی خداست. (یوحنا ۲۰: ۲۸)

- رابطه پدر و پسر از چه زمانی شروع می شود؟
- آیا عیسی در ابدیت با خدا یعنی قبل از تولدش در بیت لحم، پسر بود؟
- عیسی چه موقعی پسر شد؟
- آیا هم سن پدر است؟
- مادرش کیست؟
- زمانی که در بیت لحم به دنیا آمد بر سر بدن او چه آمد؟
- آیا دو پدر و مادر داشت؟

اوه نه! چنین نیست، این قبیل تصورات حاکی از یک درک نادرست از خدا و پسر می باشند.

خدا در ابدیت یک روح نامرئی و بدون جسم و استخوان است که آسمان و زمین را به وجود آورد. (اشعیا ۳۷: ۱۶ و ۴۴: ۴ و ایوب ۸: ۹) او خود اعلام کرد که کسی با وی نبود و به تنهایی زمین را آفریده است. (اشعیا ۴۵: ۵ و ۴۴: ۲۴) «من، من یهوه هستم و غیر از من نجات دهنده ای نیست.» (اشعیا ۴۳: ۱۱) او تنها خداوند خدا و یگانه منجی بود. او به شکل انسان آمد تا به نجات تبدیل شود. نام او عیسی بود، معنی این نام "خدای نجات دهنده" است. در آن زمان بود که رابطه فرزندی آغاز شد یعنی در زمانی که خدا انسان شد. وقتی که او مولود بیت لحم و بره قربانی برای گناه شد، خدای مجسم شده بود که برای گناهان جهان مرد. (اعمال ۲۰: ۲۸) پیش از تولد عیسی در بیت لحم پسرى وجود نداشت، اگر چه آن کس که پسر شد به عنوان روحی نامرئی در ابدیت وجود داشت.

عیسی هم خدا بود و هم انسان:

عیسی یک انسان بود، یک انسان کامل. او به عنوان انسان می خوابید، می خورد و احساس خستگی می کرد، اما همه آن اعمال عظیمی که به ظهور می رساند ثابت می کند که عیسی بیش از یک انسان بود. چه کسی غیر از او می توانست مردگان را زنده کند، بر آنها راه برود، چشمان کوران را باز کند، نان را تکثیر کند و غیره؟ او خدا و انسانی بود که در یک صورت (تصویر) جمع شده بود. به همین خاطر او به فیلیپس گفت: «... کسی که مرا دید پدر را دیده است...» (یوحنا ۱۴: ۹) مگر او نگفته است: «من و پدر یک هستیم.» مگر او نگفته است: «... اگر باور نکنید که من هستم (درباره پدر صحبت می کرد) در گناهان خود خواهید مرد...» (یوحنا ۸: ۲۴ و ۲۷) این به راستی یک راز شگفت است، عیسی انسان - خدا بود. او مانند یک انسان عادی به دنیا نیامد، او پدری زمینی نداشت، پدر او روح القدس بود که در رحم مریم قرار گرفت. و به همین خاطر است که هم انسان بود و هم خدا.

او به عنوان انسان می خورد، اما به عنوان خدا نانها و ماهیها را تکثیر می کرد. به عنوان انسان در قایق خوابیده بود، ولی به عنوان خدا بلند شد و موجهای خروشان را آرام ساخت. او به عنوان انسان در جلوی قبر ایلعازر دعا کرد، ولی به عنوان خدا او را زنده گردانید. به عنوان انسان مرد، ولی در مقام خدا خود را زنده کرد. (یوحنا ۲: ۱۹) او خدا و انسان بود، پدر، پسر، روح القدس و جسم، همه در یک صورت (تصویر).

بنابراین زمانی که خدا می گوید: «... آدم را به صورت (نه صورتها) ما ... بسازیم...» (پیدایش ۱: ۲۶ - ۲۷) به دو جنبه مربوط به رابطه پدر و پسر "در یک صورت" و نه "صورتها" اشاره دارد. صورت خدا کدام است؟ عیسی صورت خدای نادیده است. (کولسیان ۱: ۱۵)

بنی اسرائیل هرگز خدای خویش را ندیده بودند، او برای آنها نامرئی بود، ولی با آمدن عیسی خدای نادیدنی مرئی شد. در حالی که خدا در جسم، خود را بر روی زمین نشان می داد، در آسمان هم چنان در حالت روح بود. به همین خاطر است که مسیح می توانست از "پدری که در او زندگی می کند" و هم چنین از "پدری که در آسمان است" صحبت کند.

دست راست:

عبارت "عیسی در دست راست خداست" به هیچ وجه بدین مفهوم نیست که خدا و عیسی دو شخص هستند که در کنار یک دیگر و بر یک تخت برای قرن‌ها جلوس فرموده‌اند. این تصور از خدا هم مسخره است و هم ضد کتاب مقدس. روزی یک واعظ گفت که عیسی تنها یک بار پس از صعود خود به آسمان در سمت راست خدا ایستاد و آن زمانی بود که از استیفاً استقبال کرد، چون استیفاً او را "ایستاده" به دست راست خدا دید. باید گفت که این درک درستی از "دست راست خدا" نیست. "دست راست" یک اصطلاح نمادین است که قدرت و اقتدار را می‌رساند. عیسی گفت: «که تمامی قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است.» وقتی که خدا بر زمین تن گرفته و انسان شد، همه اعمال مقتدرانه خود را به واسطه قدرت و اقتداری که در این انسان بود به ظهور می‌رسانید. و هم اکنون که عیسی به آسمان صعود کرده است، صاحب تمامی قدرت در آنجا می‌باشد. (متی ۲۸: ۱۸) بنابراین اصطلاح "عیسی در دست راست خدا" بدین مفهوم است که او صاحب تمامی قدرت و اختیار می‌باشد و به عبارتی بدین معنا است که عیسی قوت خداست. (اول قرنتیان ۱: ۲۴) ضمناً این نکته را نیز باید به خاطر داشت که عیسی مسیح بیش از یک انسان بود. او هم خدا بود و هم انسان، او خدای ظاهر شده در جسم بود. (اول تیموتاؤس ۳: ۱۶)

در اینجا به چند نمونه از کاربردهای نمادین "دست راست" و رابطه آن با قدرت توجه کنید:

- ✓ «به تحقیق دست من بنیاد زمین را نهاد و دست راست من آسمانها را گسترانید. وقتی آنها را می‌خوانم با هم برقرار می‌باشند.» (اشعیا ۴۸: ۱۳)
- ✓ «زیرا که به دست راست مسکین خواهد ایستاد تا او را از آنانی که بر جان او فتوا می‌دهند برهاند.» (مزمور ۱۰۹: ۳۱)
- ✓ «که بازوی جلیل خود را به دست راست موسی خرامان ساخت و آنها را پیش روی ایشان منشق گردانید تا اسم جاودانی برای خویش پیدا کند.» (اشعیا ۶۳: ۱۲)
- ✓ «خداوند را همیشه پیش روی خود می‌دارم. چون که به دست راست من است، جنبش نخواهم خورد.» (مزمور ۱۶: ۸) و بسیاری آیات دیگر.

روح القدس:

روح القدس یک شخص سوّم که متمایز و جدا از پدر و پسر باشد، نیست. روح القدس خدا است. ما در یوحنا ۴: ۲۴ می‌خوانیم: «خدا روح است...» و خدا قدّوس است. برای اثبات این مسئله که روح القدس خدا است هیچ نیازی به دلایل غیر کتاب مقدس نداریم. کتب به ما می‌گویند که روح القدس پدر عیسی است. (متی ۱: ۱۸ - ۲۰) البته لازم است این مسئله را یادآور شویم که عیسی خدای مجسم شده است.

عیسی روح القدس است:

روزی عیسی شاگردان خود را جمع کرده و به آنها گفت که قرار است به زودی بروم، ولی وعده داد که تسلی دهنده دیگری را خواهد فرستاد تا برای همیشه با آنها بماند. این تسلی دهنده دیگر چه کسی است؟ نام او چیست؟ آیا صحبت از شخصی غیر از عیسی است؟ پس در صورتی که چنین باشد، عیسی دیگر حاضر نیست و در درون ما ساکن نمی‌باشد. اما عیسی گفت: «... اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم.» (متی ۲۸: ۲۰)

عیسی شاگردان خود را در ابهام رها نکرد. او به وضوح از هویت آن تسلی دهنده دیگر برای آنها صحبت کرد، وی چنین گفت: «شما را یتیم نمی‌گذارم نزد شما می‌آیم.» (یوحنا ۱۴: ۱۸) او به آنها گفت که تسلی دهنده دیگری که می‌بایست بیاید همان کسی است که بین آنها به سر برده است. عیسی قول داد که همان تسلی دهنده در زمان رجعت او در درون آنها ساکن خواهد شد. او در جسم در میان آنها بود و با جسم به آسمان بالا رفت، ولی در پنتیکاست نزول فرمود تا در آنها ساکن شود. به همین دلیل است که می‌توانیم با جرأت بخوانیم، وقتی که عیسی وارد قلب من شد... بنابراین نام تسلی دهنده (روح القدس) عیسی است. (یوحنا ۱۴: ۲۶) نام دیگری وجود ندارد.

تئوری تثلیث:

در طول سده‌های جهالت بشری، انسانها با حکمفرما کردن سنتهای خود باعث شدند تا عظمت، جلال و کبرایی خداوند عیسی مسیح پوشیده بماند. آن کس که گفته بود من اول و آخر هستم، به مقام دوّم تنزل داده شد. انسانها پس از سده‌ها بحث و جدل درباره الوهیت، درباره آموزه‌ای موسوم به تثلیث به توافق رسیده‌اند. طبق برداشت فوق خدا از سه شخص متمایز و جدا از هم تشکیل شده است. آنان با اراده چنین برداشتی، عیسی مسیح را که خداوند همه چیز خوانده شده است به مقام دوّم تنزل داده‌اند.

خدا بی شک با مشاهده نادانی کسانی که با شوقی مذهبی سرودهایی را در ستایش "تثلیث مبارک خدا در سه شخص" می خوانند خشمگین شد. ولی هم اکنون ابرهای تاریک کنار می روند و آموزه رسولان دوباره می درخشد. این آموزه می گوید، عیسی مسیح، خدا و روح ظاهر شده در جسم است، ما با سه شخصیت سر و کار نداریم بلکه با یک شخص واحد.

آموزه تثلیث در واقع ثمره تلاش نافرجام بشر برای توضیح و توجیه راز بزرگ تجسم خدا در جسم است. ولی بشر با ارائه چنین تعریفی این راز را به یک نظریه پوچ مبدل کرده است. اگر پدر، پسر و روح القدس سه شخص متمایز باشند، در این صورت باید گفت که در هر مسیحی سه شخص ساکن است. (دوم قرن ۱۶: ۱۳، ۵: ۱۳، اول قرن ۱۹: ۶) و اگر سه شخص ساکن باشد پس باید گفت که هر کدام از آنها (جدا گانه) مسیح را زنده کرده است. (اعمال ۱۳: ۳۰، رومیان ۸: ۱۱، یوحنا ۲: ۱۹) در صورتی که مسیح و خدا دو شخص مجزا باشند پس دو کلیسای جدا از هم وجود دارد چون هم صحبت از کلیسای خداست و هم صحبت از کلیسای مسیح. و در صورتی که خدا و روح القدس دو شخص مجزا باشند، پس عیسی دو پدر دارد. خدا پدرش است و روح القدس نیز همین طور. (متی ۱: ۱۶، ۱۸: ۱۶) به علاوه شایان ذکر است که خود عیسی نیز پدر سرمدی خوانده می شود. (اشعیا ۹: ۶)

در صورتی که بپذیریم عبارت خدا به هر کدام از این اشخاص به طور مجزا اطلاق می شود، نتیجه می گیریم که سه خدای مجزا داریم، یا بهتر است بگوییم که هر کدام از آنها یک سوم از خدا هستند. حال آن که اگر این سه شخص مساوی باشند پس اشعیا نبی یک رؤیای دروغین دیده است، زیرا می گوید: «پس مرا به که تشبیه می کنید تا با وی مساوی باشم؟...» (اشعیا ۴۰: ۲۵) اگر خدا از سه شخص جدا از هم تشکیل شده باشد، هر کدام باید یک اسم جداگانه داشته باشند، در حالی که تنها با یک اسم سر و کار داریم. پدر یک اسم خاص نیست. پسر یک اسم خاص نیست. و روح القدس یک اسم خاص نیست. واقعیت این است که پطرس برخلاف تصور برخی، اشتباه نکرد وقتی که در روز پنطیکاست تحت الهام روح گفت: «... توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت.» (اعمال ۲: ۳۸)

هوش انسانی تا ابد از درک راز عیسی مسیح ناتوان خواهد بود. برای شناخت او نیاز داریم که خدا با نور خود کتب را برای ما باز کند تا او را همان طور که هست بشناسیم. کسی که دید جسمانی دارد نمی تواند با مطالعه کتاب مقدس به شناخت این راز نائل شود، ولی روح القدس با نور منکشف کننده خود هاله ای به دور کبریایی می کشد و او را به عنوان بزرگ هستم، پدر سرمدی، یگانه فرزانه، نجات دهنده ما، آفریننده آسمان و زمین و غیره معرفی می کند. (یوحنا ۸: ۵۸، اشعیا ۹: ۶، تیطس ۲: ۱۳، اول تیموتاؤس ۱: ۱۷، کولسیان ۱: ۱۶)

زمانی که عیسی مسیح در جسم بود، دنیا را دچار بلاتکلیفی کرد. امروز هم دنیا نمی داند که درباره او چه بگوید. یهودیان او را رد کرده اند چون که او که یک انسان بود خود را خدا ساخته بود. (یوحنا ۱۰: ۳۳) آنها مرتب از او می پرسیدند کی هستی؟ این چه نوع انسانی است؟ این همه حکمت از کجا آمده است؟ آیا پسر خدا هستی؟ آیا پادشاه هستی؟ از کجا آمده ای؟ چگونه ممکن است این مرد که درس نخوانده کتب را بشناسد؟ این چه کسی است که جرأت می کند گناهان را ببخشد؟ و دنیا امروز نیز نمی داند که در مقابل این شخصیت چه کار کند یا چه بگوید. جای تعجب نیست، چون که وی بزرگ و عجیب است. نام عیسی بر هر اسمی برتری دارد و هیچ زبان بشری قادر به وصف عظمت این نام نخواهد بود.

ضد مسیح:

شریر برای مخفی نگهداشتن هویت عیسی مسیح از چشمان اهالی دنیا بسیار کوشیده است. و این کوشش او نیز تا حدی توأم با موفقیت بوده و خواهد بود، در پایان این دوره همه دنیا عیسی مسیح را رد کرده و ضد مسیح را به جای خدا خواهند پرستید؛ به جز آنانی که نامشان در دفتر حیات بره ضبط شده است. یوحنا به ما هشدار داده گفت: «و هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند، از خدا نیست. و این است روح دجال که شنیده اید که او می آید و الآن هم در جهان است.» (اول یوحنا ۴: ۳) در اول تیموتاؤس ۳: ۱۶ آمده است که خدا در جسم ظاهر شد و اول یوحنا ۴: ۲ می گوید عیسی مسیح در جسم آمده است. هنگامی که این دو قسمت را کنار هم قرار می دهیم در می یابیم که عیسی مسیح همان خدا بود که در جسم نازل شد. و در صورتی که ما بخواهیم مقامی غیر از خدای قادر مطلق و خداوندگار زمین به او بدهیم به صفوف ضد مسیح می پیوندیم. در عیسی مسیح تمامی پری الوهیت ساکن است. (کولسیان ۲: ۹، ۱۶: ۱۲-۱۹، ۱۰: ۳۸، ۲: ۸، ۳: ۱۷)